

جام در آفساید

۴



■ کارگردان:
فرهاد درودگر

این مستند درباره اولین حضور تیم ملی فوتبال کشورمان در مسابقات آسیایی بعد از پیروزی انقلاب است که در کشور کویت برگزار شده بود. این بازی‌ها با روزهای آغازین و ابتدایی شروع جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه کشورمان، همزمان بوده و اتفاقات و حواشی پیرامونی این مسابقات دستمایه ساخت این مستند بوده است. در این مستند با برخی فوتبالیست‌های سابق تیم ملی از جمله حسین فرکی، محمد پنجعلی، بهتاش فریبا، همچنین سفیر سابق ایران در کویت مصاحبه شده است.

ننه قربون

۵



■ کارگردان:
یاسر عرب

این مستند، درباره زنانی است که در سال‌های دفاع مقدس پشت جبهه، به یاری رزمندگان شتافته بودند. مستند از تصاویر و مصاحبه با زنانی تشکیل شده که هرروز برنامه‌ای جدی برای تولید غذا یا خدماتی از این دست برای حمایت از رزمندگان دارند. این مستند پای صحبت زنانی می‌نشیند که در پشت جبهه، مشغول تدارکات برای رزمندگان به‌منظور مقابله همه‌جانبه با دشمن متجاوز فعالیت می‌کردند.

مجموعه نورالدین پسر ایران

۶



■ تهیه‌کننده:
علی تقی‌پور

مجموعه مستند «نورالدین پسر ایران»، با نگاه به شخصیت اصلی کتابی به همین نام تولید شده، این مستند در ۳۰ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای در قالب نیمه‌انیمیشن است. این مجموعه درباره خاطرات سیدنورالدین عافی، جانباز ۷۰ درصد است که در ۱۵ سالگی وارد جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شده و بارها مجروح شد. در کنار روایت خاطرات، تصاویر انیمیشنی تهیه‌شده از این مجموعه نیز به نمایش گذاشته می‌شود.

از زمستان تا زمستان

غلامحسین افشردی ۲۵ اسفندماه، در زمستان سخت‌وسرد سال ۱۳۳۴، در نزدیکی میدان خراسان تهران به دنیا آمد. دوره دبستان را در مدرسه مترجم‌الدوله و دوره متوسطه را در دبیرستان مروی به پایان رساند. سال ۱۳۵۴ پس از دریافت دیپلم ریاضی در رشته دامپروزی دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه تحصیلات دانشگاهی‌اش را آغاز کرد، اما به دلیل فعالیت‌های اسلامی، سیاسی و مشارکت در جلسات سخنرانی، بعد از یک‌سال و نیم از دانشگاه اخراج شد. بعد از پیروزی انقلاب با گرفتن دیپلم ادبی در خردادماه ۱۳۵۸ در کنکور سراسری ثبت‌نام کرد و موفق به کسب رتبه ۱۰۴ رشته حقوق قضایی در دانشگاه تهران شد. او اوایل سال ۱۳۵۹ به استخدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. همان سال با آغاز فعالیتش در اطلاعات سپاه، نام‌مستعار حسن باقری را برای خود برگزید. وظیفه او در اطلاعات سپاه، شناسایی گروهک‌ها بود.

حسن باقری که به‌عنوان خبرنگار هم فعالیت می‌کرد، مثل بسیاری از جوانان ایرانی در دهه ۶۰ به جبهه رفت و در ۹ بهمن‌ماه ۱۳۶۱ کمی پیش از آغاز عملیات والفجر مقدماتی، همراه گروهی از اعضای سپاه پاسداران، در حال انجام عملیات شناسایی در منطقه فکه و در سنگر دیده‌بانی، مورد اصابت گلوله خمپاره قرار گرفت و شهید شد. او زمان شهادت ۲۶ ساله بود. حسن باقری طرح عملیات بیت‌المقدس را برای آزادسازی خرمشهر در قرارگاه کربلا و در جمع سایر فرماندهان ارائه کرد، این یکی از مهم‌ترین فرازهای کارنامه او در سال‌های دفاع مقدس است. شهید باقری فرماندهی قرارگاه نصر را در زمان عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان برعهده داشت. کتاب‌های زیادی درباره شهید باقری نوشته شده، اما مجموعه مستند «آخرین روزهای زمستان» تنها مستندی است که به‌طور کامل به زندگی، فعالیت‌ها و شهادت او می‌پردازد.

کشف بازیگر

مهدی زمین‌پرداز که دانش‌آموخته تئاتر است، با سریال «آخرین روزهای زمستان»، به‌عنوان بازیگر معرفی شد. او آنچنان مناسب فضای این مستند و از جنس فضای واقع‌گرایانه آن بود که گمان نمی‌رفت بازیگر است. همان‌طور که هادی حجازی‌فر در «ایستاده در غبار» به‌عنوان یک نابازیگر به چشم آمد، درحالی‌که سابقه‌ای طولانی در تئاتر داشت. زمین‌پرداز و حجازی‌فر در تعدادی از فیلم‌های مهدویان با او همکاری کردند، در میان این همکاری‌های مشترک، نقش کوتاهی که زمین‌پرداز در «لاتاری» بازی کرد به‌یادماندن است. او امسال، «علفزار» را روی پرده داشت و نقشی کاملاً متفاوت را تجربه کرد. حجازی‌فر با بازی در «ماجرای نیمروز» به یک بازیگر محبوب تبدیل شد، او در «لاتاری» نقشی مسن‌تر از خود را بازی کرد، قهرمانی که روزگارش به‌سر آمده و سر همراهی با مناسبات دنیای پس از جنگ را ندارد. همکاری‌های مشترک مهدویان و جواد عزتی در «ماجرای نیمروز»، «مرد بازنده» و «زخم کاری» از نقاط‌قوت کارنامه این بازیگر است. پیمان معادی در «درخت گردو»، متفاوت‌تر از همیشه و مهم‌ترین برگ‌برنده این فیلم مهدویان است. معادی هم مثل زمین‌پرداز در «آخرین روزهای زمستان» و حجازی‌فر در «ایستاده در غبار» نقشی واقعی را بازی کرد. با این تفاوت که آن‌دوبازیگر، نقش افرادی شناخته‌شده و از سرداران جنگ را بازی کردند، اما قادر مولان‌پور «درخت گردو»، مردی ساده و روستایی بود.

این قهرمان زمینی

آنچه تماشای سریال «آخرین روزهای زمستان» را به تجربه‌ای ویژه تبدیل می‌کند، شخصیت‌پردازی درباره قهرمانی ملی است. قهرمانی نام‌آشنا که جزئیات زندگی او برای همه آشکار نیست. محمدحسین مهدویان در این مستند، غبار را از چهره یکی از مهم‌ترین سرداران سال‌های دفاع مقدس پاک می‌کند. قهرمان ریزجته و جوان او، زمینی است. خبرنگاری که وقتی برای رفتن به جبهه بارسفر می‌بندد، نمی‌داند که به فرمانده‌ای بزرگ تبدیل می‌شود. سریال برخلاف اغلب مستندهایی از این جنس، به‌سمت روایت و قصه‌گویی می‌رود و همه تمرکزش را روی مصاحبه و ارائه اطلاعات صرف نمی‌گذارد. بازسازی دهه ۶۰، قابل توجه است و جزئیاتی که بعدها مهدویان نشان داد در نمایش آنها استاد است به فضاسازی سریال کمک کرده. انتخاب بازیگرانی که شبیه چهره‌های آشنا باشند (حسن باقری، محسن رضایی، یحیی رحیم‌صفوی و...) به باورپذیر شدن مستند انجامیده است. مهدویان در «آخرین روزهای زمستان» به‌جای دیالوگ و کلام، از صداهای باقی‌مانده شخصیت‌ها استفاده کرده. این شیوه که در نوع خود تازه بود، به امتیاز دیگر سریال تبدیل شده است. این مستند، راوی هم دارد. گفتار متنی دقیق و کامل نوشته‌شده، اما قصه‌گویی بخشی از ساختار روایتی است که کارگردان انتخاب کرده. نثر دلنشین و داستانی گفتار متن، به‌ویژه زمانی که به زندگی شخصی شهید باقری می‌پردازد، کمک کرده تا سیمای قهرمان در ذهن بیننده جان بگیرد. قهرمانی دوست‌داشتنی، شجاع و آرام. یکی از شخصیت‌های این مجموعه مستند احمد متوسلیان است، سرداری که مهدویان در اولین فیلم سینمایی‌اش، زندگی او را روایت کرد. نمای مشهور «ایستاده در غبار» که متوسلیان، بی‌سیم را در دست دارد، در یکی از نماهای سریال «آخرین روزهای زمستان» دیده می‌شود.



آنچه تماشای
سریال «آخرین
روزهای زمستان»
را به تجربه‌ای ویژه
تبدیل می‌کند،
شخصیت‌پردازی درباره
قهرمانی ملی است.
قهرمانی نام‌آشنا که
جزئیات زندگی او برای
همه آشکار نیست.
محمدحسین مهدویان
در این مستند، غبار
را از چهره یکی از
مهم‌ترین سرداران
سال‌های دفاع مقدس
پاک می‌کند. قهرمان
ریزجته و جوان او،
زمینی است. خبرنگاری
که وقتی برای رفتن
به جبهه بارسفر
می‌بندد، نمی‌داند که
به فرمانده‌ای بزرگ
تبدیل می‌شود

تولد یک فیلم‌ساز خوش‌قریحه

«آخرین روزهای زمستان»، پروژه‌ای دشوار برای محمدحسین مهدویان جوان بود. آزمونی دشوار که به تولد فیلم‌سازی مستند انجامید. محبوبیت سریال باعث شهرت مهدویان شد. او با «ایستاده در غبار»، نخستین فیلم سینمایی‌اش که در ادامه مسیر آن سریال و درباره شهید احمد متوسلیان بود، بسیار ستایش شد. مهدویان شیوه فیلم‌سازی‌اش را در «ماجرای نیمروز» هم ادامه داد، اما در «شیشلیک» و «مرد بازنده» به‌سمت مخاطبانوه قدم برداشت. کمدمی «شیشلیک»، موافقان و مخالفان بسیاری داشت، اما مضمون و فضای فیلم فعلاً اکران عمومی آن را به تأخیر انداخته است. مهدویان که از سال ۹۴ و پس از «ایستاده در غبار» هر سال، یک فیلم ساخته، با «زخم کاری»، سریال‌سازی را هم تجربه کرد. نام مهدویان با سینمای سیاسی گره خورده، اگرچه او با «مرد بازنده» تلاش کرد فضایی را که در «زخم کاری» تجربه کرده بود، ادامه دهد، اما حتی در آن فیلم هم، رگه‌های سیاسی و اشاره به مناسبات خاص مشهود است. محمدحسین مهدویان، با ساخت «شیشلیک»، «مرد بازنده» و «زخم کاری» بسیاری از دوست‌دارانش را ناامید کرد. گروهی او را متهم به پیوستن به سینمای تجاری می‌کنند، با این حال تجربه ثابت کرده او تجربه‌گری در سینما را فارغ از باید و نبایدها ادامه می‌دهد. فیلم‌سازی که از مستندسازی آمده و سیاست‌پرنگ‌ترین مضمون تکرارشونده آثارش بوده، ممکن است با ساخت یک کمدمی دیگر ما را غافلگیر کند.